

## ضرورت نوسازی اقتدارگرا از نگاه "مرد آزاد"

دکتر علی اکبر خدري زاده<sup>۱</sup>

فاطمه دانش شکیب<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از خصایص اصلی ادبیات سیاسی - اقتصادی ایران در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ش غلبه‌ی گفتمان استبداد مَنور (نوسازی اقتدارگرا) در میان روشنفکران تجددخواه نسل سوم است. سرخوردگی از انقلاب مشروطه در میان برخی از کنشگران سیاسی، بحران‌های متعدد سیاسی - اجتماعی به جا مانده از جنگ جهانی اول در ایران و نیز رواج اندیشه‌ی دیکتاتور مصلح در برخی از کشورهای توسعه نیافته از جمله ترکیه را می‌توان عوامل اصلی تغییر گفتمان سیاسی از مشروطه به استبداد مَنور دانست. در همین راستا ضرورت نوسازی و تشکیل دولت مقتدر در میان غالب نشریات آن دوره بازتاب گسترده‌ای داشته است. "مرد آزاد" که به وسیله علی اکبر داور در سال ۱۳۰۱ش انتشار یافت از نشریات طرفدار حکومت مقتدر بود که به نقش قدرت دولت مرکزی در نوسازی ساختار اقتصادی، اداری و فرهنگی باور عمیق داشت و اصلاحات را تنها از طریق اجبار ممکن می‌دانست. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بازخوانی برخی از مقالات روزنامه "مرد آزاد" به معرفی و بررسی اندیشه‌های این نشریه در خصوص ضرورت نوسازی اقتدارگرا در ایران پرداخته شود.

**کلید واژه‌ها:** مرد آزاد، علی اکبر داور، اقتدارگرایی، نوسازی، پهلوی اول.

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری khedrizedeh@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری

## مقدمه

علی اکبر داور فرزند کلبعلی خان در سال ۱۲۶۴ش در تهران به دنیا آمد. پدرش سال‌ها خزانه‌دار دربار مظفرالدین شاه بود. علی اکبر دروس مقدماتی زبان فارسی، عربی، حساب، تاریخ و جغرافیا را نزد معلمین خصوصی فرا گرفت. با توصیه یکی از درباریان مظفرالدین شاه قاجار و در سن ۱۵ سالگی برای تحصیل رشته پزشکی وارد مدرسه دارالفنون تهران شد. پس از چند سال تحصیل در علم پزشکی، این رشته را رها کرد و در زمینه‌ی فلسفه، تاریخ، ادبیات و حقوق، مطالعات و تحصیلاتش را ادامه داد و پس از هشت سال از مدرسه دارالفنون فارغ‌التحصیل شد. در این دوره داور با زبان فرانسه هم آشنایی پیدا کرد. پس از آغاز نهضت مشروطیت، علی اکبر داور در سنین جوانی به عضویت حزب دموکرات درآمد و به ویژه در نشریات حزبی مطالب گوناگونی چاپ و منتشر کرد. در سال ۱۲۸۹ش به استخدام وزارت عدلیه درآمد و پلکان ترقی اداری را به سرعت در این وزارت خانه طی کرد. تحصیلات خود را در رشته حقوق در سوئیس ادامه داد؛ پس از پایان تحصیلاتش در سال ۱۳۰۰ش به تهران بازگشت و به خدمت وزارت عدلیه در آمد.<sup>۱</sup>

تیر ماه ۱۳۰۱ که هنوز کرسی نمایندگی مردم ورامین در مجلس چهارم خالی مانده بود، داور به نمایندگی از آن‌جا به مجلس راه یافت.<sup>۲</sup> علی اکبر داور نماینده مجلس شورای ملی، رهبر حزب سیاسی رادیکال، روزنامه‌نگار، وزیر فوائد عامه، وزیر دادگستری، وزیر دارایی و یکی از اضلاع مهم مثلث معروف عصر رضا شاه (داور، تیمورتاش و نصرت الدوله) بود که در به سلطنت رساندن رضاخان نقش کلیدی ایفا نمود. داور، علی رغم دستیابی به تحصیلات عالی در اروپا و دارا بودن جهان بینی مدرن، حداقل در سال‌های نخست دهه ۱۳۰۰ش، بر این اعتقاد بود که ایرانی، به میل خود آدم نخواهد شد، بلکه، سعادت را باید بر جامعه ایران تحمیل نمود، و در این راستا، رضاخان را تنها کسی می‌دانست که می‌تواند از عهده چنین کاری برآید: "... باید ملت بیچاره را به حال خودش گذاشت و رفت کسی را پیدا کرد که به ضرب شلاق ایران را تربیت کند"<sup>۳</sup>

داور در تیر ماه سال ۱۳۰۱ش امتیاز روزنامه "مرد آزاد" را اخذ نمود و نخستین شماره آن را در ۸ بهمن ۱۳۰۱ش منتشر کرد. اما به دلیل مشغله کاری روزنامه تا اوایل سال ۱۳۰۲ش منتشر شد. این نشریه خود را «یومیه» معرفی کرده، شعار آن «اول اصلاح اقتصادی» است که در بالای اسم روزنامه درج شده است.<sup>۴</sup>

داور همچنین به همراه عبدالحسین تیمورتاش و سید محمد تدین حزب تجدد را سازمان‌دهی نمود و از طریق این حزب نقش مهمی در خلع قاجارها از سلطنت و به قدرت رساندن رضاخان ایفا کرد.<sup>۵</sup> وی که در تشکیل مجلس مؤسسان و به سلطنت رسیدن رضاخان نقش برجسته‌ای داشت، در دوران حکومت رضا شاه به مناصب مهمی دست یافت.<sup>۶</sup> ابتدا به وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب شد سپس در انتخابات مجلس ششم از تهران به مجلس راه یافت. در سال ۱۳۰۵ش در کابینه مستوفی الممالک و سپس در کابینه مخبرالسلطنه هدایت به وزارت دادگستری رسید.<sup>۷</sup> از مهم‌ترین وظایف داور "وظیفه دشوار نوسازی کامل وزارت عدلیه" بود. اما بعدها نسبت به اصلاحات اساسی وی در این وزارتخانه اهمال شد.<sup>۸</sup> در سال ۱۳۰۶ش در کابینه محمد علی فروغی وزیر فوائد عامه و تجارت شد؛ و در کابینه دیگر فروغی در سال ۱۳۱۲ش نیز به مقام وزیر دارایی برگزیده شد. علی اکبر داور سرانجام همانند بسیاری از کنشگران سیاسی آن دوره که قربانی سیاست خودکامانه رضاشاه شدند در ۲۱ بهمن ۱۳۱۵ش به دلیل مخالفت رضاشاه با برنامه‌های اقتصادی ارائه شده، دست به خودکشی زد.<sup>۹</sup>

### روزنامه مرد آزاد

عیسی صدیق اعلم سردبیر روزنامه مرد آزاد درباره‌ی چگونگی نام‌گذاری این روزنامه نوشته است: "برای پیدا کردن نام این روزنامه چند روز صرف شد. داور ستایش بی‌حدی نسبت به کلمانسو آخرین نخست وزیر فرانسه در جنگ جهانی اول داشت. وی مردی بود بسیار دلیر و مقتدر و با اراده... کلمانسو قبل از زمامداری روزنامه‌ی یومیه‌ای انتشار می‌داد به نام مرد زنجیر شده و همین که در اثر شکست‌ها و ناکامی‌های فرانسه در جنگ به نخست‌وزیری برگزیده شد عنوان روزنامه را مبدل به مرد آزاد کرد. داور معتقد بود که همین اسم برای روزنامه انتخاب شود و دیگران هم با او موافقت کردند"<sup>۱۰</sup>. شماره اول "مرد آزاد" در روز یکشنبه ۸ بهمن ۱۳۰۱هـ.ش برابر با جمادی الثانی ۱۳۴۱هـ.ق / ۲۸ ژانویه ۱۹۲۳م انتشار یافت.<sup>۱۱</sup> ترتیب نشر "مرد آزاد" به صورت یومیه اعلام شد. شعار روزنامه "اول اصلاح اقتصادی" می‌باشد که بالای اسم روزنامه درج شده است.<sup>۱۲</sup>

این نشریه در صفحه اول خود در هر شماره ستونی به نام "یادداشت یومیه" دارد که به عنوان سرمقاله و اغلب با قلمی منتقد و تند نوشته می‌شده است. بنابراین اندیشه‌ها، عقاید و جهت‌گیری‌های سیاسی "مرد آزاد" را می‌توان در آن ستون ملاحظه کرد. همچنین روزنامه داور در هر شماره اخبار کاملی از رویدادهای داخل و خارج و مذاکرات مجلس ایران را به اطلاع خوانندگان

خود می‌رساند. علاوه بر این روزنامه رمان‌های جذاب روز را به صورت پاورقی منتشر می‌کرد. عمده‌ترین اندیشه‌های نوسازی در روزنامه "مرد آزاد" شامل نوسازی اقتصادی، اداری و فرهنگی است.

### نوسازی اقتصادی

نوسازی ساختار اقتصادی یکی از آمال روشنفکران عصر مشروطه بود که بنا به موانع ساختاری و علل و عوامل داخلی و خارجی دیگر محقق نشد. در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹، ضرورت نوسازی اقتصادی به گفتمان اصلی نخبگان سیاسی و مطبوعات هواخواه نوسازی تبدیل شد. در این دوره، اقتصاد از چنان حساسیت و اهمیتی برخوردار بود که کمتر نشریه‌ای می‌توان یافت که در آن به موضوعات اقتصادی نپرداخته باشد. "مرد آزاد" بارها در مقالاتش بر لزوم نوسازی اقتصادی به عنوان پیش‌نیاز نوسازی در سایر ارکان کشور پافشاری کرده است. این روزنامه که عقیده دارد "جامعه بی‌ثروت محکوم به تحمل جمیع مصائب دنیا است" بودجه کافی در ساخت مدارس، بیمارستان‌ها، یتیم‌خانه‌ها و ساخت مؤسسات تمدنی در راستای نوسازی را امری بدیهی دانسته، طبقه مولد ثروت و اشتغال‌زا را وطن‌پرست می‌خواند و عموم مردم را به کار و تلاش دعوت می‌کند.<sup>۱۲</sup> البته با این توضیح که "شرط ثروت کاری است که بازار حاصل آن رواج پیدا کند"<sup>۱۳</sup> کار و تلاش بدون برنامه اقتصادی را علت اصلی دل‌مردگی ایرانیان و نتیجه آن را تنها "دوندگی و کفش پاره کردن" می‌داند.<sup>۱۴</sup> مرد آزاد بر این باور است که نوسازی اقتصادی ایران تنها با انقلاب صنعتی ممکن است و نخستین قدم برای رسیدن به این انقلاب ساخت کارخانه می‌باشد.<sup>۱۵</sup> این نشریه با بیان این مطلب که کشورهایی که به انقلاب صنعتی رسیده‌اند، جنس را ارزان‌تر تمام می‌کنند، مشتری بیشتری دارند و در نتیجه دارای اقتصاد شکوفایی هستند؛ اخطار می‌دهد: "مادام که کارخانه جای کارگاه را نگرفته= تا مثل مردم عهد شاپور زراعت می‌کنیم و مثل معاصرین قباد پارچه می‌بافیم= نکبت نصیب ما مسلم است"<sup>۱۶</sup>

مرد آزاد همچنین در راستای بهبود اوضاع اقتصاد کشور به ضرورت افزایش صادرات بر واردات اشاره می‌نماید. طبق نظر این نشریه باید واردات را به حداقل رسانید و از کالاهای داخلی به خصوص پارچه‌های ساخت کشور استفاده نمود؛ زیرا مصرف تولیدات داخلی اقدامی وطن‌پرستانه می‌باشد. به خصوص به پارچه‌های ساخت کشور اشاره می‌کند؛ و از اینکه ایران به دلیل فقدان کارخانه، با وجود ازدیاد پنبه‌قادر به تولید پارچه به صورت انبوه نیست اظهار تاسف می‌نماید.<sup>۱۷</sup>

از پیشنهادات دیگر مرد آزاد در خصوص بهبود اقتصاد، تجدید روابط اقتصادی با روسیه است. این نشریه روسیه را یک خطر بزرگ اقتصادی برای ایران می‌داند به همین دلیل از دولت روسیه انتقاد می‌کند. عقیده دارد روسیه کنونی از لحاظ سیاست‌های اقتصادی بسیار خطرناک‌تر از روسیه تزاری است.<sup>۱۸</sup> بر این اساس خواستار افزایش تعرفه گمرکی روسیه است به دلیل این که باعث "ازدیاد عایدات گمرکی" و "نقصان واردات" می‌شود، است. مرد آزاد بر این باور است که قوانین گمرکی از طرف دولت روسیه به ایران تحمیل شده، بنابراین باید ملغی گردد، و قوانین گمرکی جدیدی با توجه به منافع ایران وضع شود.<sup>۱۹</sup> همچنین از دولتمردان ایران می‌خواهد که مانع از ضربه وارد آوردن کشور روسیه به منافع اقتصادی ایران شوند.<sup>۲۰</sup>

مرد آزاد همچنین فقدان وسایل حمل و نقل در ایران را دلیلی بر رکود و ضعف اقتصاد تجاری می‌داند.<sup>۲۱</sup> بنابراین از دولت می‌خواهد احداث راه آهن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد. این نشریه با توجه به ضعف تکنولوژی و اقتصاد ایران ساخت راه آهن توسط یک شرکت بین‌المللی را پیشنهاد کرده، بر این باور است در این صورت ایران برای تأمین منافع خود موفق تر خواهد بود.<sup>۲۲</sup> از آن جایی که سرمایه داران غربی به علت اوضاع نابسامان شرق به دول شرقی در خصوص باز پرداخت قروض خود اعتماد ندارند،<sup>۲۳</sup> راه آن را جلب سرمایه‌های خارجی و اعتماد دول اروپایی از طریق برقراری امنیت و ثبات در ایران عنوان می‌نماید.<sup>۲۴</sup>

علاوه بر این، مرد آزاد واگذاری امتیازات معادن را در راستای نوسازی کشور ضروری می‌داند و البته بر این باور است که نباید امتیاز یک معدن را به طور کامل به یک کمپانی واگذار کرد.<sup>۲۵</sup> روزنامه مرد آزاد همانند نشریات هواخواه نوسازی اقتدارگرا تنها راه نجات کشور و تمامی اصلاحات اقتصادی عنوان شده را منوط به زور و در سایه یک حکومت مقتدر مصلح ممکن دانسته است.<sup>۲۶</sup>

## نوسازی اداری

ضرورت اصلاح ساختار اداری از همان آغاز ورود تجدد به ایران از نگاه روشنفکران و مطبوعات پوشیده نماند و تلاش‌هایی نیز از سوی اصلاح طلبانی چون امیرکبیر و سپهسالار در این راستا صورت گرفت لیکن کافی نبود. ضرورت نوسازی ساختار اداری که در سراسر دوره قاجار جزو دغدغه‌های اصلی دیوان‌سالاران اصلاح طلب و روشنفکران تجددخواه به شمار می‌رفت، به عنوان یکی از مباحث مهم روشنفکران نسل سوم تجددخواه<sup>۲۷</sup>، در مطبوعات سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ش بازتاب یافته است. بر این اساس نوسازی اداری از مباحث مورد توجه "مرد آزاد" قرار

داشت. "مرد آزاد" تشکیلات ادارات و وزارتخانه‌ها را دارای "اختلال اساسی" می‌داند و بر این باور است که، ادارات کشور باید دوباره ساخته شوند.<sup>۲۸</sup> همچنین نقش رؤساء را در نوسازی ادارات مهم و اساسی می‌شمرد. داور از رؤسای ادارات که اکثریت آنان فارغ‌التحصیلان ادبیات هستند انتقاد می‌کند. و عقیده دارد: "... جز ادبیات هیچ فضلی در آن‌ها سراغ نمی‌شود داد بدبختانه با ادبیات هم حفظ استقلال نمی‌شود کرد..."<sup>۲۹</sup> این نشریه تحول اساسی و نوسازی وزارت جنگ را به عنوان "وزارت خانه‌ئی که می‌داند چه می‌کند" الگویی برای سایر وزارتخانه‌ها معرفی کرده است.<sup>۳۰</sup> "مرد آزاد" در راستای تحول اساسی در ساختار اداری کشور، تنها راه اصلاح و سامان بخشی نظام اداری را تحمیل و اجبار از سوی حکومت مقتدر دانسته، تاکید می‌کند: "ادارات ایران را بدون زور نمی‌توان اصلاح کرد"<sup>۳۱</sup>

### نوسازی معارف

یکی دیگر از ارکان اصلی نوسازی که مورد توجه "مرد آزاد" قرار داشت، ضرورت ایجاد تحول فرهنگی، اصلاح نظام تعلیم و تربیت و تلاش برای ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی بود. از مطالب "مرد آزاد" بر می‌آید که این نشریه اصلاحات در وزارت معارف را پیش نیاز نوسازی در سایر ادارات می‌داند. این نشریه وزارت معارف را "کارخانه آدم سازی" می‌خواند؛<sup>۳۲</sup> و آن نهاد را دارای مشکلات ریشه‌ای و اساسی می‌داند. از دلایل عمده نابسامانی اوضاع در وزارت معارف را وزیر آن وزارتخانه و<sup>۳۳</sup> کمبود بودجه اختصاص داده شده به وزارت معارف ذکر می‌کند. به همین دلیل از دولت خواستار افزایش بودجه این وزارتخانه در تهران و شهرستان‌ها<sup>۳۴</sup> به خصوص افزایش بودجه معارف در استان گیلان است.<sup>۳۵</sup>

از نظر مرد آزاد دلیل پیشرفت کشورها و ممالک متمدن در ساخت «مدرسه» خلاصه است. مدرسه را مکانی برای فراگرفتن شور وطن پرستی دانسته، برای اثبات سخنان خود به پیروزی ژاپن به کشور روسیه به دلیل آموزش صحیح در مدارس اشاره می‌کند. از این رو خواستار ساخت مدارس در سطح کشور است.<sup>۳۶</sup>

مرد آزاد نقش معلمان در نوسازی وزارت معارف را پررنگ عنوان نموده، خواستار بهبود اوضاع معیشتی ایشان است. به همین دلیل در سلسله مقالاتی تحت عنوان "قانون استخدام معلمین" به قلم صدیق اعلم، شرایط استخدام معلمان را مورد بررسی قرار داده، خواهان تغییر قوانین مشکل‌دار

به نفع معلمین می‌باشد. همچنین به قانونی که فقط معلمین مدارس عالییه می‌توانند عضو شورای معارف شوند اعتراض کرده، عضویت در این شورا را حق همه معلمان می‌داند.<sup>۳۷</sup>

صدیق عقیده دارد حقوق معلمان باید مکفی بوده، بر پایه سطح تحصیلی ایشان و سنوات تعیین شود.<sup>۳۸</sup> وی نقش مدیران مدارس را با اهمیت عنوان نموده، بر این اساس اعتقاد دارد در انتخاب مدیر برای مدارس باید نهایت دقت صورت گرفته، انتخاب مدیر بر اساس لیاقت باشد.<sup>۳۹</sup>

مرد آزاد انتقاداتی نیز راجع به شیوه تدریس در مدارس عنوان کرده است. از جمله طریق یادگیری درس را که در آن دانش آموزان مجبور به حفظ کردن دروس، بدون تعقل در آن هستند را مورد انتقاد قرار داده است و عقیده دارد "هیچ یک از قوای روحیه طفل- به جز حافظه- در مدارس ما پرورش نمی‌یابد. ابدأ شاگرد را وادار نمی‌کنند در مسأله‌ای دقت کند- تعمق کند. و بهیچوجه طفل را مجبور نمی‌کنند بسمت حقیقت برود و برای کشف آن سعی و مجاهدت کند هیچگاه بچه را عادت نمی‌دهند مطلبی را تحقیق کند و تا بر او حساً و عقلاً مسلم نشده باور نکند" نویسنده عقیده دارد چنین شاگردانی هرگز "استقلال فکری و شخصیت" پیدا نمی‌کنند، قادر به اختراعات و اکتشافات نیستند و در نتیجه نمی‌تواند قدمی در راستای نوسازی کشور بردارد. مرد آزاد بهترین شیوه آموزش در مدارس را تقویت قوه تعقل و منطق و راهی به سوی سعادت و نوسازی می‌داند.<sup>۴۰</sup>

مرد آزاد نوسازی در امور مطبوعات را نیز از وزارت معارف خواستار است. این نشریه با وجود عقیده به این مطلب که "یکی از عوامل مؤثر ترقی ملل امروز دنیا مطبوعات است" نشریات و مطبوعات در ایران را به دلیل فقدان "نویسنده حسابی" قابل مقایسه با نشریات غربی نمی‌داند. این روزنامه بر این باور است که روزنامه نگاران ایرانی به هیچ وجه حرفه‌ای نیستند و در ازای منافع مادی هر مطلبی را انتشار می‌دهند. حال آنکه در غرب سیاستمدارانی همچون پوانکاره و رزولت روزنامه نگار هستند؛ با این توصیفات وضعیت مطبوعات در ایران مصیبت بار است و "... مادام که روزنامه نویسی کسب بی‌سواد و هوچی است مطبوعات جز خرابی و فساد هیچ نتیجه نمی‌دهد..."<sup>۴۱</sup> مرد آزاد تنها راه اصلاح اوضاع مطبوعات و مدرسه را توسط اجبار حکومت مرکزی ممکن می‌داند.<sup>۴۲</sup>

## لزوم حکومت مقتدر مستبد

یکی از دلایل اصلی روشنفکران نسل سوم در دفاع از طرح ضرورت تشکیل دولت مقتدر، تداوم نوسازی بود. در ایران، نوسازی در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و اداری در قرن نوزدهم آغاز شد اما عدم حمایت حکومت قاجار و ضعف طبقه‌ی متوسط موجب ناکامی و توقف آن شد. در واقع با توجه به ضعف بورژوازی، پیشبرد فرآیند نوسازی در ایران مستلزم وجود دولتی مدرن، متمرکز و مقتدر بود. "مرد آزاد" بارها در مقالاتش بر لزوم یک حکومت لایق که بتواند با زور کشور را به رشد و توسعه برساند تاکید کرده، نقش سیاستمداران را بسیار مهم ارزیابی می‌کند و تنها راه نوسازی را در تغییر اساس حکومت، و روی کار آمدن حکومتی می‌داند که به جای اصول ماست مالی " با اصول اساسی اصلاحات در کشور را انجام دهد. یکی از ویژگی‌های حکومت مورد نظر مرد آزاد قدرت‌گیری و میدان دادن به سیاستمداران جوان و با افکار مدرن است؛ این نشریه با در نظر گرفتن سابقه و فعالیت سیاستمداران کهنه کار و کسانی که در راس امور هستند؛ آنان را از موانع نوسازی کشور می‌داند.<sup>۴۳</sup> تنها راه اثبات وطن‌پرستی ایرانیان و کمک به حفظ استقلال کشور را روی کار آوردن یک حکومت لایق و مستبد عنوان می‌کند.<sup>۴۴</sup> این روزنامه برای اثبات سخنان خود به تاریخ ایران اشاره می‌کند و بر این باور است که در تاریخ ایران هرگز دستورات زمامداران فاقد مشت، اعتبار نداشته است. پس "حکومت استبداد روح این ملت را بقسمی معتاد به زور کرده که اگر بی‌تازیه و تبعید و حبس هزار دلیل برایش اقامه کنی یک ذره اعتنا نخواهد کرد" و مردم ایران تا زمانی که مجبور نباشند "زیر بار حرف حساب" نخواهند رفت. پس تنها راه نوسازی ایران اجبار و تحمیل از طرف حکومت است.<sup>۴۵</sup> مرد آزاد مخالفان این نظر را افراد منفعت‌طلبی که می‌خواهند "معروف به آزادی‌خواهی" شوند بدون آنکه مفهوم آن را بدانند معرفی می‌کند.<sup>۴۶</sup>

البته مرد آزاد خود را طرفدار حکومت استبدادی نمی‌داند. حتی جایی قانون را «مافوق تمایلات» همه احزاب و نمایندگان معرفی نموده است.<sup>۴۷</sup> و بین حکومت استبدادی و حکومتی که در راستای نوسازی ایران دست به استبداد می‌زند، تفاوت قائل است. این نشریه حکومت استبداد صرف، را منفعت‌طلب که در راستای عظمت کشور تلاش نمی‌کند؛ توصیف می‌نماید. روسیه و اصلاحات پطر کبیر را مثال می‌زند و آن را نمونه کشوری که زیر سایه شخصی مقتدر به سوی عظمت و اقتدار رفته است معرفی می‌کند.<sup>۴۸</sup>



مرد آزاد ویژگی‌هایی برای این حکومت مستبد مصلح قائل است: "زور بدست ایرانی و برای ترقی ایران باشد اما- موافق اصول علمی امروز اروپا- اول به انقلاب مادب پردازد- اول اساس زندگی ما را تغییر بدهد بلی- روح ایرانی را مدرسه و مطبوعات عوض نمی‌کنند. این معجزه را از راه آهن و چرخ و کارخانه باید خواست و برای ساخت ابزار تمدن زور لازم است"<sup>۴۹</sup> البته این نشریه در استقرار این دیکتاتوری خوشبین است: "سعادت را به زور می‌شود به ایران تحمیل کرد و این کار هم عاقبت خواهد شد"<sup>۵۰</sup>

### نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی برخی از مقالات "مرد آزاد" می‌توان به اهمیت موضوع نوسازی اقتصادی و ضرورت تحول فرهنگی- اخلاقی جامعه ایران در میان روشنفکران نسل سوم و کشنگران سیاسی هواخواه نوسازی اقتدارگرا در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ش پی برد. نشریه "مرد آزاد" همانند سایر مطبوعات طرفدار نوسازی اقتدارگرا بر این باور بود که ایران در مرحله نخست نوسازی نیازمند حل بحران اقتصادی بوده، هرگونه اصلاحی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و نظامی در پرتو وحدت ملی و اقتدار دولت مرکزی ممکن خواهد شد. در واقع اغلب مقالات، این نشریه بر لزوم نوسازی اقتصادی به عنوان پیش نیاز نوسازی در دیگر نهادهای کشور تاکید داشت. انتشار اندیشه‌ی "نوسازی اقتدارگرا" یا "دولت محور" در مطبوعات سال‌های آغازین عصر پهلوی اول و تغییر گفتمان سیاسی از "مشروطه‌خواهی" به "استبداد منور" اگرچه در تعارض با مبانی تجدد و اهداف انقلاب مشروطه در راستای توسعه سیاسی بود؛ اما در راستای تحقق بخشی از خواسته‌های روشنفکران نسل سوم در زمینه‌ی نوسازی ساختار اقتصادی- فرهنگی و اقتدار دولت مرکزی ایران قرار داشت.<sup>۵۱</sup>

در مقالات مرد آزاد به وضوح می‌توان توجه و تأکید این نشریه به نقش مثبت دیکتاتور مصلح در نوسازی امور را مشاهده کرد. اصلاحات اقتصادی با توجه به شعار روزنامه به صورت رونق تجارت و افزایش صادرات، بهبود حمل و نقل، توجه به منافع تجاری کشور، صنعتی نمودن ایران، جلب سرمایه‌های خارجی از طریق واگذاری امتیازات معادن و ایجاد امنیت در راستای رسیدن به اهداف بلند اقتصادی بارها در مقالات مختلف مطرح شده است. همچنین نوسازی ادارات به خصوص نوسازی سیستم آموزشی کشور و نقش آن در تقویت روحیه ملی نسل جوان از مطالب

مورد توجه مرد آزاد بود. مرد آزاد که خواستار تبدیل سریع ایران به یک کشور مدرن با استفاده از تکنولوژی و تجربیات غرب است، تغییر شیوه زندگی اجتماعی ایرانیان و حذف عناصر قدیمی عهد قاجار و استفاده از جوانان تحصیل کرده در اروپا را بسیار مهم می‌داند. اما نکته قابل توجه این است که از دیدگاه این نشریه هیچ یک از پیشنهادهای ارائه شده بدون حضور یک قدرت برتر ایرانی در رأس امور امکان‌پذیر نیست.

با مطالعه و بررسی برخی از مقالات مرد آزاد می‌توان نتیجه گرفت، که ضرورت تحول اجتماعی- فرهنگی و نوسازی ساختار اداری و اقتصادی دغدغه اصلی روشنفکران نسل سوم و نشریات دوره مورد نظر را تشکیل می‌داده است. مرد آزاد طرح "نوسازی اقتدارگرا" را به مثابه پیش زمینه‌ی اصلی تحقق "تجدد" در ایران معرفی می‌کرد. به موجب این طرح، شاخصه‌های پیشنهاد شده جهت نوسازی ایران عبارت بود از: ایجاد وحدت ملی در پرتو دولت مقتدر مرکزی، تحول اجتماعی- فرهنگی و نوسازی ساختار اداری- اقتصادی برای رسیدن به یک ایران مدرن. از نگاه مرد آزاد، این امر ممکن دانسته نشده است مگر در پرتو یک حکومت مقتدر مرکزی که قادر به ایجاد امنیت، حفظ تاریخ ایران، تقویت زبان فارسی و به طور کلی تجمیع ایرانیان زیر یک پرچم واحد باشد.

## یادداشت‌ها:

- ۱- احتشامی، ابوالحسن، بازیگران سیاست، تهران: بنگاه مطبوعاتی امروز، ۱۳۲۸، ص ۸۵.
- ۲- عاقلی، باقر، داور و عدلیه، تهران: علمی، ۱۳۶۹، ص ۳۰.
- ۳- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۹، ۲۸ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۴- مرد آزاد، س ۱، ش ۸، ۸ دلو ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۵- عاقلی، داور و عدلیه، ص ۹۲-۸۶.
- ۶- همان، ص ۱۰۵.
- ۷- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵-۱۷۴؛ مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۱۲، ۲۹۲، ۴۷۸؛ عاقلی، داور و عدلیه، ص ۲۰۵-۱۰۶.
- ۸- فوران، جان، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۹، ص ۳۳۳.
- ۹- صدیق، عیسی، یادگار عمر، تهران: دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۲۷۵.
- ۱۰- مرد آزاد، س ۱، ش ۸، ۸ دلو ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- مرد آزاد، س ۱، ش ۷۹، ۲۸ جوزا ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۱۳- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۶، ۹ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش؛ س ۱، ش ۳۱، ۲۴ حوت ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۱۴- مرد آزاد، س ۱، ش ۷۹، ۲۸ جوزا ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۱۵- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۶، ۹ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش؛ س ۱، ش ۳۱، ۲۴ حوت ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۱۶- مرد آزاد، س ۱، ش ۳۳، ۱۸ حوت ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۱۷- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۹، ۲۱ حوت ۱۳۰۱ هـ.ش.
- ۱۸- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۷، ۱۰ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۱۹- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۰- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۷، ۱۰ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۱- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۴، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۲- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۵، ۲۳ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۳- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۵، ۲۳ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۴- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۴، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۵- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۳، ۴ اسد ۱۳۰۲ هـ.ش.
- ۲۶- مرد آزاد، س ۱، ش ۹۸، ۲۶ سرطان ۱۳۰۲ هـ.ش.

<sup>۲۷</sup>- در این مقاله مراحل روشنفکری ایران از عصر ناصرالدین شاه تا اوایل سلطنت رضاشاه در سه نسل تقسیم شده است: نسل اول، منور الفکران عصر ناصری که طرفدار قانون مداری و تجدد (نوگرایی توأم با اصلاحات اقتصادی - فرهنگی بر اساس الگوی کشورهای اروپایی) بودند. نسل دوم، روشنفکران عصر مشروطه که عمدتاً خواهان نظام پارلمانی و توسعه‌ی سیاسی - اقتصادی بودند. نسل سوم، روشنفکران تجدد خواه سرخورده از انقلاب مشروطه در سال‌های پس از جنگ جهانی اول که طرفدار تشکیل دولت مقتدر (استبداد مُنور) و تحول اقتصادی - فرهنگی (نوسازی اقتدارگرا) بودند.

<sup>۲۸</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۶، ۲۴ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۲۹</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۹، ۲۱ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۳۰</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۶، ۲۴ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۱</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۲</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۸، ۲۰ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۳۳</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۵، ۲۳ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۴</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۵، ۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۵</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۷، ۱۰ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۶</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۸، ۲۰ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۳۷</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۳۰، ۲۳ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۳۸</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۳۵، ۱۶ حمل ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۳۹</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۷، ۱۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۴۰</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۷۹، ۲۸ جوزا ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۱</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۹۷، ۲۴ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۲</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۹۸، ۲۶ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۳</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۶، ۹ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۴</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۳۶، ۱۸ حمل ۱۳۰۲ ه.ش؛ س ۱، ش ۱۰۶، ۹ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۵</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش؛ س ۱، ش ۱۲۴، ۱۱ سنبله ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۶</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۲۶، ۱۷ حوت ۱۳۰۱ ه.ش.

<sup>۴۷</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۴۰، ۲۳ حمل ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۸</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۴۹</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۹۸، ۲۶ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش.

<sup>۵۰</sup>- مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۴، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.